

تحلیلی بر حفاظت از محیط زیست از منظر حقوق بشر

مهدی زکوی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۲۶

چکیده:

حقوق بین‌الملل محیط زیست و حقوق بشر شروعی جداگانه داشتند ولی واقعیت حاکی از آن است که این دو مقوله قواعدی درهم‌تنیده و بهم پیوسته دارند و تلاش و هدف غایی این دو آن است تا شرایط بهتری برای حیات بشری فراهم نمایند. ارتباط تنگاتنگی که بین حقوق بین‌الملل محیط زیست و حقوق بشر ایجاد شده از طرفی حفاظت از محیط زیست را به‌عنوان بنیادی‌ترین اصل برای برخورداری از زندگی و کرامت انسانی می‌داند و از سوی دیگر این امر را میسر کرده که در قبال چالش‌های جهانی در ابعاد منطقه‌ای و جهانی از خود و حقوق بشر حفاظت کند. سؤالی که در این راستا مطرح می‌شود آن است که حفاظت از محیط زیست از منظر حقوق بشر چگونه است؟ و فرضیه بیان می‌کند به‌نظر می‌رسد حقوق بشر صلاحیت آن را دارد که از محیط زیست در جهت منافع بشری محافظت نماید. بنابراین مقاله حاضر با هدف بررسی تحلیلی بر حفاظت از محیط زیست از منظر حقوق بشر با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای انجام شد. نتایج نشان داد که حقوق بین‌الملل محیط زیست با تضمین‌های اساسی مندرج در میثاق حقوق مدنی و سیاسی همچون حق زندگی و حق بهداشت، ارتباط تنگاتنگی دارد. از سوی دیگر برخورداری از استانداردهای مناسب جهت سلامتی، بر همبستگی شدید بین حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با حقوق محیط زیست، تاکید می‌ورزد. به علاوه اینکه، نقطه تلاقی بین حقوق بین‌الملل بشر و حقوق بین‌الملل محیط زیست، حق بر محیط زیست سالم می‌باشد. حقی که بدون شک امروزه همچون حق توسعه از مهم‌ترین مصادیق حقوق همبستگی به‌شمار می‌آید.

واژگان اصلی: آموزه‌های حقوق بشر، اعلامیه استکهلم، حقوق بین‌الملل محیط زیست، حق بر محیط زیست سالم.

مقدمه

طبیعت همواره از ارکان مهم حیات بشری به‌شمار آمده است. ابتدا در حقوق بین‌الملل معاصر سعی بر حمایت از محیط زیست شده که در قالب حقوق بین‌الملل محیط زیست تبلور یافت اما عدم کفایت این حمایت و ضرورت حفاظت از محیط زیست برای انسان امروز و نسل‌های آینده، ایجاد پیوند میان محیط زیست و حقوق بشر مورد توجه قرار گرفت، زیرا حمایت قانونی از حقوق بشر می‌تواند وسیله‌ای جهت نیل به صیانت از محیط زیست باشد. از این‌رو، در چارچوب نسل سوم حقوق بشر حق جدیدی به نام حق بر محیط زیست در اسناد بین‌المللی حقوق بشری شکل گرفت که در آن محیط زیست به‌عنوان یک حق انسانی مطرح شده است. طبیعت رو به پیشرفت مسائل بین‌المللی اقتضا می‌کند که حفاظت از محیط زیست برای انسان امروز و نسل‌های آینده، مورد توجه جدی همگان قرار گیرد. به همین جهت است که امروزه محیط زیست در چارچوب مسائل مربوط به حقوق بشر مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

درواقع بدون داشتن محیط زیست سالم، حقوق بنیادین انسان اعم از حقوق مدنی و سیاسی یا حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نظیر حق حیات، بهداشت، آموزش، مالکیت و آزادی اندیشه، امکان عینیت و استیفا نخواهند یافت. همچنین نگرانی بزرگ راجع به ضرورت اقدامی جهانی برای حمایت از محیط زیست نسبتاً پدیده‌ای جدید است. حتی تا چند دهه گذشته، آگاهی عمومی از مشکلات مربوط به محیط زیست جهانی و نیاز برای اقدام منسجم چندجانبه جهت بررسی این مشکلات آشکار نشده بود.

بنابراین آنچه که در این باره به شدت محیط زیست انسانی را تهدید می‌کند تخریب بی‌رویه و خارج از قاعده محیط زیست و موجودات آن است. با توجه به اینکه اغلب این منابع غیر قابل تجدید هستند و برخی از این موجودات ممکن است در اثر تخریب زیستگاه‌هایشان برای همیشه منقرض گردند، حفاظت از محیط زیست به یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های بشری در دهه‌های اخیر تبدیل شده است. لذا برخی از حقوق دانان با مطرح نمودن حقوق محیط زیستی بشر، سعی در حفظ این حقوق و بهبود وضعیت موجود در آن دارند. به اعتقاد اینان حقوق بشر صلاحیت آن را دارد که از محیط زیست در جهت منافع بشری محافظت نماید. تاکنون پژوهشی‌های اندکی با این رویکرد در ایران صورت گرفته و خلاء پژوهشی در این زمینه احساس می‌شود. لذا این پژوهش به دنبال تحلیلی بر حفاظت از محیط زیست از منظر حقوق بشر است.

۱- جنبه‌های مفهومی حقوق بین‌الملل محیط زیست در ارتباط با آموزه‌های حقوق بشر

علی‌رغم این که حقوق محیط زیست و حقوق بشر شروعی جداگانه داشتند ولی واقعیت حاکی از قواعدی درهم‌تنیده و بهم‌پیوسته دارد. اهداف و درنهایت تلاش این دو بر این امر مسلج است که شرایط بهتری برای زندگی فراهم نمایند. در همین راستا حقوق بین‌الملل محیط زیست همانند حقوق بشر، ناظر بر عملکردها و اقدامات بشر بوده و کلیه اقدامات وی را تحت پوشش قرار می‌دهد. ارتباط تنگاتنگی که بین حقوق بین‌الملل محیط زیست و حقوق بشر ایجاد شده از طرفی حفاظت از محیط زیست را به‌عنوان بنیادی‌ترین اصل برای برخورداری از زندگی و کرامت انسانی می‌داند و از سوی دیگر این امر را میسر کرده که در قبال چالش‌های جهانی در ابعاد منطقه‌ای و جهانی از خود و حقوق بشر حفاظت کند (ساندس، ۱۹۹۵، ۲۵). همچنین گنجاندن ابعاد زیست محیطی در مباحث حقوق بشری این ضرورت را به رسمیت می‌شناسد که شرایط زیست محیطی منطقه‌ای و جهانی در تحقق حقوق بشر، تأثیر فراگیری داشته است. البته ارتباط حقوق بین‌الملل محیط زیست با حقوق بشر با تکیه بر اشتراک آن‌ها از حیث در بر گرفتن اقدامات بشری و همچنین اشتراک در اهداف، چندان دشوار به نظر نمی‌رسد. از آنجاکه حقوق بین‌الملل محیط زیست از علایق و منافع مشترک بشریت نشأت می‌گیرد، حقوق و آزادی‌های اساسی بشری را نیز که بر علایق و منافع مذکور استوارند، از حیث بین‌المللی، مورد پذیرش قرار می‌دهد (ساعد، ۱۳۸۳: ۹۰).

اگرچه تقدم و تاخر حقوق محیط زیست با حقوق بشر در قبال یکدیگر متغیر می‌باشد، لیکن نتیجه هر دو حالت، واحد است و آن عبارت است از تامین و تضمین محیط زیستی سالم برای حیات پایدار و با کرامت بشر. قواعد حقوقی مدرن بر این نکته تأکید دارند که حقوق بین‌الملل محیط زیست و حقوق بشر دارای همبستگی هستند. به گونه‌ای که برای اولین بار مجمع عمومی سازمان ملل در اواخر ۱۹۹۰، رابطه بین کیفیت محیط زیست انسانی و برخورداری از حقوق اساسی بشر را به رسمیت می‌شناسد و در سال ۱۹۷۲ ارتباط مستقیم بین این دو حق را با برگزاری کنفرانس ملل متحد در مورد محیط زیست انسانی به‌صراحت اعلام و حق دسترسی به اطلاعات زیست محیطی و مشارکت عمومی در محیط زیست در چهارچوب حق بر محیط زیست در سال ۱۹۹۲ در اعلامیه ریو به رسمیت شناخته شده تا در اجلاس جهانی توسعه پایدار در ژوهانسبورگ (۲۰۰۲) ارتباط بین

محیط زیست و حقوق بشر به استحکام خود رسید.

ارتباط بین حقوق محیط زیست با حقوق بشر، حداقل سه موضوع را مدنظر قرار می‌دهد: رویه‌ی حقوق بشر، مانند دسترسی به اطلاعات زیست محیطی، دسترسی به عدالت و مشارکت در تصمیم‌گیری‌های زیست محیطی، اغلب برای اطمینان بخشیدن به این امر است که مسائل زیست محیطی بسیار مهم و قابل احترام هستند.

به دنبال محرومیت‌های اقتصادی و اجتماعی، تخریب محیط زیست می‌تواند، تبعیض و نژادپرستی را گسترش و تهدیدی واقعی برای بشریت قرار گیرد.

حق برخورداری از محیط زیست سالم بخش اساسی از حیات پایدار و با کرامت بشر، به‌شمار می‌آید. هرچند سرچشمه و سوابق اندیشه حقوق جهانی بشر را باید در آموزه‌های ادیان توحیدی و افکار فلاسفه طرفدار حقوق طبیعی از جمله فیلسوفان رواقی جستجو نمود، اما در قرن بیستم بود که به‌دنبال تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر در سازمان ملل (۱۹۴۸)، بحث از حقوق بشر به گفتمانی مسلط و موضوعی حساس در نزد فلاسفه و صاحب‌نظران حقوقی و سیاسی تبدیل شد و از زوایای مختلف مورد بحث قرار گرفت (کتابی و ایزدی اودلو، ۱۴۰۰: ۳۳).

۲- رابطه حقوق بشر با حفاظت از محیط زیست

حقوق بشر، صرف‌نظر از ریشه و پیشینه‌ی آن که ممکن است در هر یک از ادیان، تمدنها و فرهنگهای گوناگون داشته باشد، محصول دوران جدید است و در واقع این اصطلاح پس از جنگ جهانی دوم و تأسیس سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۵ نسبتاً وارد محاورات روزمره شده است. (میرصانع، ۱۴۰۱: ۳۶) دورانی که در پی تحولات عمیق و گسترده در عرصه‌های فرهنگی، سیاسی، دینی، اقتصادی، اجتماعی و فلسفی به منصفه ظهور رسید و خود را با ویژگیهایی چون انسان محوری، خردگرایی، علم‌باوری، زمینی کردن، فردباوری، آزاداندیشی، سنت‌ستیزی، دین‌پیرایی و افسون‌زدایی معرفی کرد. (کریمی پرویز، ۱۴۰۱: ۵۲) حال با توضیحاتی که بطور کلی از حقوق بشر و محیط زیست ارائه شد، این سؤال به ذهن متبادر می‌شود که آیا بین حقوق بشر و حفاظت از محیط زیست پیوندی و ارتباطی نیز وجود دارد. اگرچه شاید در ابتدای طرح مباحث حقوق بشری در اسناد بین‌المللی، مؤلفه محیط زیست و طبیعت نمود بارزی نداشته است اما توجه به محیط زیست و منابع طبیعی از همان ابتدا هم پیش شرط تمتع از دیگر حقوق بوده و بدون درنظر گرفتن

محیط زیست انسانی و طبیعی دسترسی به دیگر حقوق بشر با مشکل مواجه خواهد شد. ضمن آن که با بررسی برخی از مصادیق حقوق بشر (همانند حق حیات و نیازهای اولیه برای حیات، حق بر سلامت) پی به این امر خواهیم برد که تحقق کامل و دقیق آن‌ها خود مستلزم این است که محیط زیست سالم به‌عنوان مؤلفه‌ای اساسی توجه گردد. لذا اعلامیه کنفرانس ملل متحد در مورد محیط زیست انسانی با عنوان اعلامیه استکهلم (۱۹۷۲) درباره محیط زیست، درباره پیوند حقوق بشر و حقوق محیط زیست این‌طور بیان می‌دارد که: «انسان از حقوقی بنیادین برای داشتن آزادی، برابری و شرایط مناسب زندگی در محیطی که به او اجازه زندگی با حیثیت و سعادت‌مندانانه را بدهد، برخوردار است. او رسماً مسئولیت حفاظت و بهبود محیط زیست برای نسل‌های حاضر و آینده را به عهده دارد». مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۱۹۹۰ اعلام داشت که «تمامی افراد مستحق زندگی در یک محیط مناسب برای داشتن سلامت و رفاه، می‌باشند» و نهایتاً اعلامیه ریو ۱۹۹۲ در اصل یکم خود اشاره داشته که: «انسان در مرکز توجهات توسعه پایدار است و آن‌ها حق دارند از زندگی سالم و مولد، هماهنگ با طبیعت، بهره‌مند باشند» مطابق این اسناد، بشر حق آمیخته با تکلیفی را به‌منظور استفاده از محیط زیست دارد و حمایت قانونی از حقوق بشر به‌گونه‌ای فزاینده، ابزاری در جهت نیل به حفاظت محیط زیست است (حبیبی، ۱۳۸۲: ۱۳۱).

۳- مسائل زیست محیطی و نسل سوم حقوق بشر

از بین بردن درد و رنج ناشی از سال‌ها کشتار و نقض فاحش حقوق اساسی بود که علایق و عقاید مشترک دولت‌های عضو ملل متحد را پایه‌گذاری کرد و اساس آن را استوار ساخت. تمرکز بر حقوق مدنی و سیاسی نمی‌توانست سعادت حقیقی و رفاه واقعی بشر را تامین نماید و بهره‌مندی از این حقوق بدون تمتع و استیفای حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی میسر نمی‌باشد. از همین‌رو پس از گذشت شش سال از تدوین میثاقین، جلوه‌هایی از نسلی دیگر از حقوق بشری در اسناد قوام نیافته متجلی شد و سپس با تحول جامعه بین‌المللی، نهایتاً مفهوم همبستگی را در حقوق بین‌الملل پدیدار ساخت. حقوق همبستگی گویای تحول مبانی روابط تابعان حقوق بین‌الملل و بازیگران جامعه بین‌المللی از همکاری مبتنی بر ضروریات زیست بین‌المللی و جمعی است. به‌ویژه از دهه ۱۹۷۰، اعضای جامعه بین‌المللی در می‌یابند که تنها با تکیه بر منافع متقابل نمی‌توانند به حل مسائل جدید بپردازند و لذا چاره را در این می‌بینند که با منافع خویش به نفع سرنوشت بشریت به مسائلی فراسوی

دولت‌ها بیندیشند (حبیبی، ۱۳۸۲: ۱۳۸-۱۶۷). مجموعه‌ی حقوق همبستگی که به نسل سوم حقوق بشری نیز موسوم است شامل حق بر محیط زیست، حق بر توسعه، حق بر صلح و حق بر میراث مشترک بشریت می‌باشد. همان‌طور که اشاره گردید، پس از دو دهه، حفاظت از محیط زیست نیز به مجموعه‌ی امور مبتنی بر علایق مشترک افزوده شد و حتی آگاهی از اوضاع نامساعد زیست محیطی جهان چنان بر عقاید و اندیشه‌های نمایندگان دولت‌ها در جامعه‌ی بین‌المللی تأثیر گذاشت که حفاظت از محیط زیست ضمن ادغام با حقوق بشر به صورت حقوق زیست محیطی بشری و به بیان روشن‌تر و اخص حق بر محیط زیست درآمد. نخستین گام جامعه بین‌المللی در اعطای وصف حقوق بشری به حفاظت از محیط زیست، اعلامیه ۱۹۷۲ استکهلم در خصوص محیط زیست انسان است. اصل اول اعلامیه مزبور به خوبی پیوند حقوق بشر و محیط زیست را در چهارچوب حق بر محیط زیست سالم اعلام می‌دارد و این حق را مکمل دو نسل دیگر حقوق بشر یعنی حقوق آزادی و برابری قلمداد می‌کند. به اصول و موادی دیگری که به حق بر محیط زیست پرداخته‌اند در بخش بعدی اشاره خواهیم نمود؛ بنابراین، به خوبی می‌توان دریافت که اساس و بنیان نسل سوم حقوق بشر بر پایه منافع و علایق مشترک بشریت استوار است. علاوه بر این، از آنجایی که حفاظت از محیط زیست به منزله برخورداری از حقوق بنیادین بشر به‌شمار می‌آید و هم‌چنین حمایت از محیط زیست اراده و خواست مشترک بشریت را می‌طلبد.

۴- حق بر داشتن محیط زیست سالم در عرصه بین‌المللی

حق بر داشتن محیط زیست سالم در عرصه بین‌المللی عمدتاً پس از جنگ جهانی دوم توسط کارشناسان و سیاست‌مداران مطرح شد، ولی با این حال در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق‌های بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از آن سخنی به میان نیامد. در عرصه بین‌المللی اسنادی در خصوص حق بر محیط زیست سالم به تصویب رسیده‌اند که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

۴-۱- اعلامیه کنفرانس ملل متحد در مورد محیط زیست سالم (اعلامیه استکهلم)

جنبش حمایت از محیط زیست در دهه ۱۹۶۰ آغاز و در تاریخ ۵ ژوئن ۱۹۷۲ با اعلامیه پایانی نخستین کنفرانس جهانی سازمان ملل در استکهلم درباره محیط زیست انسانی تأیید گردید. این اعلامیه، نخستین سند بین‌المللی است که سرآغاز آگاهی‌های بین‌المللی در خصوص محیط زیست

است (شرقی، ۱۳۸۸: ۳۷۹). همچنین نخستین رویکرد جهان‌شمول و اعلامی در جامعه بین‌المللی دهه هشتاد است که دیرزمانی از درک اهمیت محیط زیست و نقش آن در حیات رو به تعالی بشر و همه ساختارهای ملی و بین‌المللی نگذشته بود، می‌باشد. این اعلامیه حق بر محیط زیست یعنی حق داشتن محیط زیستی سالم را همچون آزادی و برابری از حقوق بنیادین انسان‌ها تلقی نموده است. علاوه بر این، اعلامیه به ارتباط مستحکم میان حمایت از محیط زیست و برخورداری از حقوق بشر اشاره دارد. اصل اول اعلامیه صراحتاً به این امر اشاره دارد انسان از حق بنیادین آزادی، برابری و شرایط مناسب زندگی در محیطی که کیفیت آن امکان زندگی با کرامت و سعادت‌مند را برای انسان فراهم کرده باشد برخوردار بوده و مسئولیت جدی از حمایت و حفظ محیط زیست برای نسل فعلی و آتی را بر عهده دارد. اعلامیه استکهلم به اعلام حق بنیادین بشر در مورد محیط زیست سالم نمی‌پردازد ولی متذکر می‌گردد که محیط زیست سالم به عنوان مبنایی برای بهره‌مندی و اعمال حقوق بشر ضروری می‌باشد (حبیبی، ۱۳۸۲: ۱۶۷). علاوه بر این، اعلامیه مقرر می‌دارد که برای توسعه‌ی اقتصادی، وضعیت محیط زیست و بهداشت و سلامت نوع بشر به‌طور پیچیده‌ای به هم مرتبط هستند و فعالیت‌هایی که در راستای توسعه انجام می‌شود باید آسیب‌تدریجی وارده بر محیط زیست را که زندگی افراد بشر به آن بستگی دارد، در نظر بگیرد. البته باید یادآور شد که دست یازیدن به چشم‌اندازهای وسیع در جهت بهبود کیفیت محیط زیست و ایجاد زندگی سعادت‌مند، مستلزم قبول مسولیت از جانب همه شهروندان و اجتماعات، مؤسسات و نهادها، در تمام سطوح و تقسیم عادلانه کارها و وظایف می‌باشد.

۴-۲- منشور جهانی طبیعت

گسترش آلودگی‌ها و معضلات زیست محیطی به ویژه در مورد منابع طبیعی باعث شد تدابیری جهت حفظ آن که میراث نسل‌های حاضر و آینده است، اندیشیده شود. لذا ده سال بعد از کنفرانس استکهلم، دومین سند مهم بین‌المللی تحت عنوان منشور جهانی طبیعت^{۱۱} در زمینه حمایت از محیط زیست در یک مقدمه و ۲۶ ماده و به موجب قطعنامه‌ی شماره ۷/۳۷ در ۲۷ اکتبر ۱۹۸۲ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسید. از این منشور نیز ضمن شناسایی حق بر محیط زیست، نحوه اجرای آن توسط اشخاص حقیقی و حقوقی به‌ویژه دولت‌ها را مقرر داشته است. منشور، مواد ۲۶-۱۹ خود را نیز به نحوه‌ی اجرای اصول مربوط به حق بر محیط زیست و حفاظت از آن اختصاص داده است (وکیل و عسگری، ۱۳۸۳: ۹۳). در ماده ۱۶ لزوم درج حفاظت از محیط زیست در برنامه‌های

توسعه‌ای مقرر شده و در ماده ۲۱ لزوم خودداری دولت‌ها از ایراد خسارت فرامرزی به محیط زیست دولت‌های دیگر یا مشترکات جهانی پیش‌بینی گردیده است. همچنین این منشور یکی از اولین بیانیه‌هایی بود که حق افراد برای مشارکت در تصمیم‌گیری و دسترسی به ابزارهای جبران خسارت در زمانی که محیط زیست آن‌ها متحمل خسارت یا تجزیه شده را شناسایی می‌کند. ده سال بعد اصل ۱۰ اعلامیه ریو، بر نیاز به این حقوق مشارکتی اشاره کرد. اگرچه اصول مندرج در این منشور قطعاً از نظر حقوقی الزام‌آور نبوده و مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر حقوق نرم» نامیده می‌شوند (امیرارجمند، ۱۳۷۶: ۳۳۸). ولی حقوق و تکالیف ناشی از ضرورت حمایت از محیط زیست را مطرح می‌کند.

۳-۴- پیش‌نویس سومین میثاق بین‌المللی حقوق بشر به نام حقوق همبستگی

در مقدمه پیش‌نویس سومین میثاق بین‌المللی حقوق بشر که تحت عنوان حقوق همبستگی و در سال ۱۹۸۲ در مجمع عمومی سازمان ملل مطرح گردید، محیط زیست به همراه صلح، توسعه و میراث مشترک بشریت به عنوان یکی از ارزش‌های مشترک جهانی شناخته شده است. علاوه بر این، عبارات پیش‌بینی شده در مقدمه پیش‌نویس این میثاق به خوبی حفاظت از محیط زیست را در جهت و مسیر مفاد حقوق بشر منشور ملل متحد می‌نمایاند. در بند سوم مقدمه آن پیوند مصادیق حقوق همبستگی به ویژه با حق بر محیط زیست، اهمیت حمایت از حقوق بشر در منشور ملل متحد و گستره حقوق و تکالیف این نسل جدید حقوق بشری پیش‌بینی شده است (حبیبی، ۱۳۸۲: ۱۹۸). در این پیش‌نویس، حق بر محیط زیست به عنوان مکمل حقوق بشر برای نسل حاضر و شرط تحقق آن برای نسل‌های آینده است. ماده ۱۴ این پیش‌نویس، در مقام تعریف حق بر محیط زیست مقرر می‌دارد: «هر انسان و کلیه انسان‌ها به صورت گروهی حق دارند از محیط سالم و متعادل از نظر زیست محیطی و مساعد برای توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حقوقی برخوردار شوند.» برابر ماده ۱۵ این پیش‌نویس، دولت‌های عضو متعهد می‌گردند که شرایط طبیعی حیات را دچار تغییرات نامساعدی نکنند که به سلامت انسان و بهزیستی جمعی آسیب وارد نماید، آسیبی که برای توسعه‌ی جمعی لازم و راهی برای اجتناب از آن وجود نداشته باشد، قابل قبول محسوب می‌گردد.

۴-۴- آینده مشترک ما

در سال ۱۹۸۷ کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه مفهوم توسعه پایدار را در گزارش خود موسوم به «آینده مشترک ما» به کار برد. مفهوم توسعه پایدار در این گزارش به این معناست: «توسعه‌ای که نیازهای نسل حال را بدون به خطر انداختن ظرفیت‌ها و نیازهای نسل آینده، تأمین نماید.» بنا به نظر

گروه کارشناسان محیط زیست کمیسیون توسعه و محیط زیست فهرستی از اصول حقوقی از جمله حق بر محیط زیست به مثابه حق بنیادین بشر را مورد شناسایی قرار داده است. در ماده یک گزارش گروه کارشناسان در مورد حق بنیادین بشر آمده است: «هر انسانی حق بنیادین نسبت به محیط زیست مناسب، برای سلامتی و سعادت خود را دارد».

۴-۵- اعلامیه لاهه

اعلامیه لاهه درباره محیط زیست در سال ۱۹۸۹ نیز میان محیط زیست و حقوق بشر ارتباط برقرار نمود و حق زندگی با کرامت و مناسب شأن انسان را در محیط زیست پایدار تأیید می‌کند. این اعلامیه در راستای بیان حق بر محیط زیست به‌عنوان یک حق بنیادین بشر گام برداشته و بیان می‌دارد که آسیب‌ها و خطرات زیست محیطی، در واقع، صدمه به حق زندگی با کرامت در محیط جهانی تلقی می‌شود.

۴-۶- اعلامیه ریو

اعلامیه‌ی کنفرانس جهانی سازمان ملل در ریودوژانیرو برزیل درباره محیط زیست و توسعه معروف به «اعلامیه ریو» که طی قطعنامه ۲۲/۴۴، ۲۲ دسامبر ۱۹۸۹ به تصویب مجمع عمومی رسید. حقوق بشر را با محیط زیست مرتبط می‌داند. علی‌رغم این که اعلامیه ریو تأکید مجدد بر اعلامیه استکهلم بوده است ولی اشاره صریحی به حق بر محیط زیست سالم نکرده است و فقط می‌توان با تفسیر توسعه پایدار، حق بر محیط زیست سالم را از اعلامیه ریو استخراج نمود. اعلامیه بر وابستگی و ارتباط تنگاتنگ حفاظت از محیط زیست و حمایت از حقوق بشر، به‌عنوان مجموعه‌ای تفکیک‌ناپذیر برای دستیابی به توسعه پایدار تأکید می‌نماید: «انسان‌ها موضوع اصلی دل مشغولی‌های مربوط به توسعه پایدار هستند، آن‌ها حق دارند از زندگی سالم و مولد، هماهنگ با طبیعت برخوردار باشند.» (اصل اول) تحقق عینی چنین اصلی تنها با شناسایی حق برای توسعه (اصل سوم) از یکجانب و ادغام حفاظت از محیط زیست در روند توسعه اصل چهارم) از جانب دیگر امکان‌پذیر است (امیرارجمند، ۱۳۷۶: ۳۶۰). از میان اصول ۲۷ گانه اعلامیه ریو، آنچه بیشتر نمایان است اصل ۱۵ اعلامیه است که بیان می‌دارد: «برای حفاظت از محیط زیست، دولت‌ها باید متناسب با امکانات خود، تدابیر احتیاطی وسیعی را اعمال نمایند. در صورت بروز خطر شدید یا غیرقابل‌جبران، عدم وجود دلایل قطعی علمی نباید بهانه‌ای برای تأخیر در اتخاذ تدابیر مؤثر برای پیشگیری از ورود لطمه به محیط زیست شود (عباسی، ۱۳۹۰: ۴۴۸). این اعلامیه علاوه بر این که به وظایف کشورها و

همکاری‌های بین‌المللی برای حفاظت از محیط زیست اشاره دارد، نقش حقوق شهروندان، زنان و ساکنان بومی را در این رابطه مورد ارزیابی قرار می‌دهد (آون، ۱۳۷۹: ۹۱). همچنین اعلامیه به ضرورت حفاظت از محیط زیست در زمان مخاصمات مسلحانه اشاره می‌نماید و بیان می‌دارد که جنگ ذاتاً بر توسعه پایدار اثر تخریبی دارد. از همین رو صلح، توسعه پایدار و حفاظت از محیط زیست وابستگی متقابل داشته و غیرقابل تجزیه می‌باشند.

۴-۷- اعلامیه هزاره سازمان ملل

اعلامیه هزاره سازمان ملل مصوب سپتامبر سال ۲۰۰۰ مجمع عمومی سازمان ملل اشاره به ارزش‌های بنیادین در روابط بین‌الملل دارد که یکی از آن‌ها حفاظت از محیط زیست می‌باشد. در قسمت «د» و در ماده ۲۱ این اعلامیه آمده است: «ما باید از هیچ تلاشی برای نجات تمام بشریت و مهم‌تر از همه فرزندان و نوادگان ما از خطر زندگی در سیاره‌ای که به شکل جبران‌ناپذیری بر اثر فعالیت‌های نوع بشر خسارت دیده و منابع آن دیگر برای نیازهای آن بسنده نخواهد بود، خودداری ننماییم. اسناد بالا هرچند دارای اهمیت بوده و حق بر محیط زیست را تأیید می‌کنند ولی از لحاظ حقوقی، جنبه الزام‌آور ندارند. افزون بر این اسناد، معاهدات و کنوانسیون‌هایی در سطح جهانی به تصویب رسیده‌اند که عبارت‌اند از: عهدنامه مصوب ۲۷ ژانویه ۱۹۹۷ درباره فضای کنوانسیون پیشگیری از آلودگی ناشی از تخلیه ضایعات در دریا ۱۱۰ مصوب ۲۹ دسامبر ۱۹۷۲ لندن، کنوانسیون آلودگی دریاها توسط کشتی‌ها مصوب ۲ نوامبر ۱۹۷۳ لندن، کنوانسیون بن در مورد حفاظت از نسل حیوانات وحشی مصوب سال ۱۹۷۹ آلمان، کنوانسیون کانبرا در مورد حفظ منابع زنده دریایی قطب جنوب مصوب سال ۱۹۸۰، کنوانسیون بازل در خصوص کنترل حمل و نقل ضایعات خطرناک میان کشورها مصوب سال ۱۹۸۹ و... (تقی‌زاده انصاری، ۱۳۷۶: ۳۲). همان‌طور که اشاره گردید ماهیت بسیاری از اسناد بین‌المللی که حق بر محیط زیست سالم را در خود جای داده‌اند، در زمره قواعد قوام نیافته هستند، ولی باید اذعان نمود که اگر حقی نتوانست در ردیف قواعد قوام یافته قرار بگیرد، موجودیت آن حق هیچ‌گاه زیر سوال نخواهد رفت.

۵- حق بر محیط زیست در اسناد منطقه‌ای

در زمینه‌ی حق بر محیط زیست، اسناد منطقه‌ای الزام‌آوری تصویب شده‌اند که عبارت‌اند از: منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم، «پروتکل الحاقی به کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر» موسوم به

«پروتکل سان سالوادور»، «کنوانسیون آرهوس» و غیره که در این قسمت مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۱-۵- منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم

نخستین سند منطقه‌ای که صریحاً به حق بر محیط زیست سالم توجه کرده است منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم مصوب سال ۱۹۸۱ می‌باشد. ماده ۲۶ این منشور می‌گوید: «همه‌ی مردم حق دارند از محیط زیستی رضایت بخش، جامع و مناسب برای توسعه‌ی خود، برخوردار باشند، با این حال، این سند صرفاً قلمرو منطقه‌ای دارد و سبب می‌شود که حق مذکور در ماده ۲۶، صرفاً در قلمرو دولت‌های عضو این منشور اعمال گردد (گروه صلح کرسی حقوق بشر، ۲۸۷:۱۳۸۹).

۲-۵- سیستم آمریکایی حقوق بشر

در سیستم ملل آمریکایی حقوق بشر و پروتکل الحاقی به کنوانسیون حقوق بشر حق بر محیط زیست سالم مورد توجه قرار گرفته است. پروتکل الحاقی به کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر موسوم به پروتکل سان سالوادور، ظهور حقوق بشر و آزادی‌های جدیدی چون حق به کار، حق به سلامتی و حق به غذا را مورد تأیید قرار می‌دهد و حق بر محیط زیست سالم را به‌عنوان جنبه ویژه‌ای از حق به زندگی در ماده ۱۱ معرفی نموده است و بیان می‌دارد: «هر فرد حق دارد در محیط زیست زندگی کند و از خدمات عمومی اولیه برخوردار شود و دولت‌های عضو متعهد می‌گردند که حراست، حفاظت و بهبودی محیط زیست را ترویج نمایند.

باید اذعان داشت که آمریکا به زعم خود مدافع حقوق بشر می‌باشد و در واقع سیاست‌های مداخله‌گرایانه چند دهه اخیر خود را با عناوینی چون حمایت از حقوق بشر در منطقه خاورمیانه توجیه کرده است. باینحال به نظر می‌رسد که این سیاست‌های مداخله‌جویانه در منطقه خاورمیانه نمی‌تواند تنها با روایت غربی و استفاده ابزاری از تبلیغات وسیع برای دفاع از عملکردهای مداخله-گرایانه صحیح باشد (مرادپیری و همکاران، ۱۴۰۱: ۹۷).

۳-۵- کنوانسیون آرهوس

شکل‌گیری کنوانسیون آرهوس بر مبنای اصل ۱۰ اعلامیه ریو و اصل یک اعلامیه استکهلم است. این کنوانسیون حمایت از حقوق بشر و محیط زیست را با همدیگر مرتبط می‌داند. در ماده ۱ کنوانسیون حق بر محیط زیست سالم به‌عنوان یک حق عینی و پذیرفته شده معرفی می‌شود، در این ماده آمده است که به‌منظور مشارکت در حمایت از حق هر انسانی در حال حاضر و در نسل‌های آینده برای زندگی در یک محیط مناسب برای سلامتی و سعادت او، هر یک از دولت‌های عضو دسترسی به اطلاعات،

مشارکت عمومی در تصمیم‌سازی ما و دسترسی به عدالت در مسائل زیستی مطابق مقررات این کنوانسیون را فراهم آورد. تخمین زده می‌شود که امروزه بیش از ۳۰۰ کنوانسیون چندجانبه و حدود ۹۰۰ معاهده دوجانبه در زمینه حفظ و نگهداری از محیط زیست وجود دارد که به این ارقام باید تعداد ۲۰۰ متن از سازمان‌های بین‌المللی را نیز افزود (امیرارجمند، ۱۳۷۵: ۳۳۳). مضمون مشترک و اصلی این توافقنامه‌ها عبارت از جلوگیری از آسیب‌رسانی به محیط زیست و حفاظت از آن یا توسعه پایدار منابع ملی و اکوسیستم‌هاست. دو ویژگی اصلی این اسناد، یکی اتخاذ روش بخشی در تدوین این کنوانسیون-هاست؛ یعنی اسناد مزبور اقیانوس‌ها، حیات وحش، جو و سایر مناطق با موقعیت‌های خاص را تشکیل می‌دهند و خصوصیت دومی که باید به آن اشاره کرد این است که مقررات بین‌المللی در حوزه حفاظت محیطی به شکل پاسخ به چالش‌های خاص به وقوع پیوسته است. تعهد دولت‌ها در اعلان حوادث زیست محیطی که ممکن است آثار زیان‌بار برون مرزی دربر داشته باشد، در چهار چوب کلی رعایت حق افراد مقیم در حوزه زیست محیطی قابل بررسی و توجیه است و در همین راستا شاهد آن هستیم که در برخی اسناد، حق دسترسی به محاکم در خصوص آلودگی‌های برون مرزی تبیین شده است. برای نمونه می‌توان از کنوانسیون ۱۹۹۱ ایسپو نام برد (وکیل، ۱۳۸۸: ۲۷۰). همان‌طور که اشاره گردید، تمامی اسناد بین‌المللی، بین حقوق بشر و حفاظت از محیط زیست رابطه‌ی قطعی برقرار می‌کنند، به عبارت دیگر می‌توان گفت که نقطه‌ی تلاقی بین حقوق بین‌الملل، حقوق بین‌الملل محیط زیست و حقوق بشر، حق بر محیط زیست سالم است.

۵-۴- ضمانت اجرای حق بر محیط زیست سالم

یک قاعده حقوقی زمانی لازم‌الرعايه و قوام یافته تلقی می‌گردد که از ضمانت اجرای فرائض خود برخوردار باشد، در غیر این صورت آن قاعده مبدل به قاعده‌ای اخلاقی با تراکتی خواهد شد؛ بنابراین یکی از ویژگی‌های قواعد حقوقی، دارا بودن ضمانت اجرا می‌باشد؛ به عبارت دیگر ضمانت اجرا امری است برای تضمین پیاده شدن صحیح ضابطه جهت رسیدن به اهداف و مقاصد وجودی آن ضابطه (خورشیدی، ۱۳۸۸: ۳۷۷). بنابراین ضمانت اجرای حق بر محیط زیست را باید در مسولیت دولت در قبال نقض مقررات زیست محیطی جستجو نمود.

۵-۵- مسولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال نقض مقررات زیست محیطی

پیشرفت‌های فنی و تکنولوژی که از رهگذر انقلاب صنعتی باعث تخریب و نابودی محیط زیست گردید، از طرفی انسان را بر محیط زیست مسلط و از سوی دیگر انهدام تدریجی اما مستمر

محیط زیست را به همراه داشت و بررسی‌های علمی نشان داده که اجزای مختلف محیط زیست (دریاها، رودخانه‌ها، هوا، خاک، حیوانات و گیاهان) همه به یکدیگر وابسته و مرتبط هستند و به لحاظ وحدت و یکپارچگی همین عناصر زیست محیطی، هر نوع آلودگی می‌تواند موازنه و تعادل میان عناصر مزبور را برهم زند. به همین خاطر به منظور حفاظت از محیط زیست، به واسطه تشکیل کنفرانس‌ها و معاهدات بین‌المللی قواعد و مقرراتی در زمینه حقوق بین‌المللی محیط زیست نضج یافت تا بتواند در تقابل با حاکمیت دولت‌ها توسعه‌ای مطلوب ولی آرامی را طی نماید. براساس حقوق بین‌الملل سستی، دولت‌ها بر قلمرو خویش و منابع طبیعی موجود در آن از حاکمیتی مطلق و صلاحیتی انحصاری برخوردار بودند. حال آنکه «حقوق بین‌الملل محیط زیست ماهیتاً این اصول سستی را به چالش طلبید؛ زیرا بر مبنای یافته‌های جدید، محیط زیست مرز نمی‌پذیرد و حیطه صلاحیت سرزمینی دولت‌ها را در می‌نوردد. توده‌های هوا، جریان‌های اقیانوسی، رودخانه‌ها و گونه‌های جانداران مهاجر همگی بدون ملاحظه‌ی مرزهای تصنعی انسانی در حال حرکت و جابجایی هستند، علاوه بر این، حاکمیت نسبی کشورها باعث عدم تجاوز به حاکمیت دول دیگر گردید؛ به عبارت دیگر در صورت اعطای آزادی نامحدود در بهره‌برداری انحصاری از منابع طبیعی توسط کشور ذیربط، منابع سایر کشورها تحت تاثیر قرار گیرد، دیگر نمی‌توان چنین آزادی‌هایی را به کشور مزبور اعطا نمود. اگرچه اقداماتی جهت جلوگیری از فعالیت‌های خاص یا ممنوع ساختن برخی اعمال اتخاذ گردیده است، اما این به‌تنهایی کافی نیست، بلکه مهم ضمانت اجرا و مکانیسم جبرانی نقض قواعد حقوق بین‌المللی محیط زیست، یا به عبارت دیگر مسئولیت بین‌المللی ناشی از نقض آن قواعد است (زمانی، ۱۳۸۱: ۲۹-۲۷)

در حقوق بین‌الملل مسئولیت بین‌المللی دولت به مسئولیت یک دولت در برابر دولتی دیگر دلالت دارد که به دلیل عدم رعایت تعهدات منبث از نظام حقوق بین‌الملل ایجاد می‌شود. دولت به لحاظ خسارتی که به دولت طرف اختلاف وارد آمده مسئولیت خواهد داشت (والاس، ۱۳۹۰: ۲۳۵). به عبارت دیگر مسئولیت بین‌المللی از تأسیسات حقوقی است که به موجب آن دولت ناقض یک قاعده حقوق بین‌المللی، موظف می‌گردد خسارت ناشی از این نقض را در قبال دولت دیگر جبران کند (فیوضی، ۱۳۷۹: ۲۹). در نظام بین‌المللی، رویه‌های داوری و قضایی نقشی به سرا در پیشرفت و توسعه حقوق بین‌الملل ایفا می‌کنند. به عنوان مثال هر دانشجوی حقوق می‌داند برای پاسخ به سؤال امتحانی که اصطلاح «مسئولیت دولت و در آن مطرح شده باشد، اشاره به فضا و کارخانه کورزوف،

ضروری است (هیگینز، ۱۳۸۵: ۱۱۱).

در این راستا دولت، موظف به تأمین و تضمین حق بر هوای پاک برای شهروندان می‌باشد و باید نقش گسترده‌ای شامل تعهد نسبت به جلوگیری از فعالیت هرگونه منبع آلاینده و حمایت از آسیب‌دیدگان ناپاکی هوا داشته باشد و ضمناً به لوازم آن پای‌بند بماند. به عبارت دیگر از یک‌سو باید بدون هرگونه تبعیض و تبصره‌ای در اجرای قوانین و مقررات مرتبط به هوای پاک، سلامت کل افراد جامعه را مدنظر قرار بدهد و از سوی دیگر باید با استفاده از صلاحیت تنظیمی، بستر مناسبی برای بقای این حق فراهم کند و ناقضان را بنحو مؤثر مجازات نماید (غمامی و تقی‌نژاد، ۱۳۹۹: ۵۱).

۵-۶- چگونگی تضمین حق بر محیط زیست از رهگذر مسولیت بین‌المللی

از آنجایی که نتیجه مسولیت بین‌المللی نقض تعهدات زیست محیطی، جبران خسارات وارده به محیط زیست می‌باشد و در پیش‌نویس مواد ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل مربوط به مسولیت بین‌المللی دولت ناشی از اعمال متخلفانه، به شیوه‌های جبران خسارت اشاره گردیده، اعمال مناسب این اصل می‌تواند در حفاظت از محیط زیست و در نتیجه تحقق حق بر محیط زیست سالم به‌عنوان یک عامل اساسی به ایفاء نقش بپردازد. از همین رو با تحقق مسولیت بین‌المللی دولت، دولت ناقض موظف به متوقف نمودن فعل زیان‌بار است و جبران خسارت وارده به محیط زیست حتی الامکان و به نحو کامل باید صورت پذیرد، لذا نوع تعریف از خسارات زیست محیطی و گسترش قلمرو آن می‌تواند ضمن حفظ و حمایت از محیط زیست منجر به حمایت از حق بر محیط زیست نیز بگردد. در همین راستا در تعاریف ارائه شده از خسارات زیست محیطی صرف‌نظر از دیدگاه سنتی که خسارت را شامل صدمه به اموال و همچنین سلامت اشخاص مد نظر قرار می‌دهد، تعاریف مطرح شده قلمرو وسیع تری را به خود اختصاص داده است. برای مثال واژه «خسارات زیست محیطی»، ۱۴۰ اولین بار توسط یکی از حقوقدانان فرانسه به کار گرفته شد که بیشتر بر خسارت‌های باواسطه ناشی از محیط زیست اشاره داشت (کاتوزیان و انصاری، ۱۳۸۷: ۲۹۰). علی‌رغم اختلاف نظر در مشخص نبودن قربانی در خسارات زیست محیطی، عدم جامعیت و مانعیت در تعریف نیز، عمده‌ترین مشکل پیش روی جبران خسارات زیست محیطی می‌باشد. مفهوم خسارت در محیط زیست، زیان یا صدمه‌ای است که در نتیجه فعل یا ترک فعل تابعان حقوق بین‌الملل و یا در اثر بروز حوادث طبیعی، به افراد، اموال و یا محیط زیست وارد می‌شود. این واژه به فراخور تحولات و پیشرفت‌ها در هر برهه‌ای از زمان و در عرصه‌های مختلف، ابعادی گوناگون یافته است. در تمام

موارد مذکور خسارت به معنای سلب حیات، صدمه‌ی شخصی، تلف مال و یا لطمه بدان تعریف شده است. واژه خسارت در حقوق، همواره در حیطه‌ی روابط انسانی مفهوم داشته (زمانی، ۱۳۸۱: ۴۵-۴۴)، به گونه‌ای که در بیشتر کنوانسیون‌های بین‌المللی، خسارات را شامل خسارات وارده به حیات، صدمات وارده به شخص یا صدمات وارده به اموال می‌دانند. در برخی موارد نیز صدمه به عناصر زنده و غیر زنده محیط زیست، به‌عنوان خسارات زیست محیطی تلقی می‌شود. در حقوق بین‌الملل محیط زیست آنچه که مهم به نظر می‌رسد، میزان خسارتی است که به محیط زیست وارد می‌آید. از همین رو توجه به تعریف آلودگی تا حدودی راهگشا خواهد بود. بر طبق ماده یک (بند ۴) کنوانسیون ۱۹۸۲ مربوط به حقوق دریاها، آلودگی دریایی عبارت است از: داخل کردن مواد یا انرژی به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در محیط زیست دریایی به‌وسیله‌ی انسان که دارای آثار زیان‌بخشی برای منابع زنده و نیز خطری برای سلامت باشد؛ همچنین ضمن ایجاد مانع در فعالیت‌های دریایی (ازجمله ماهیگیری) به کیفیت آب و مطبوعیت آن لطمه وارد کند. (چرچیل و لو، ۱۳۸۷: ۳۷۳). به‌نظر می‌رسد دولت‌ها و مراجع قضایی در مورد خسارات زیست محیطی رویه غلطی را طی می‌نمایند. به‌گونه‌ای که هنوز خسارات زیست محیطی را در قالب هزینه‌های مالی برای پاک‌سازی آلودگی زیست محیطی و اعاده به وضعیت سابق دولت قربان مورد توجه قرار داده و هیچ تمایزی میان این خسارت و شکل‌های سستی خسارت (خسارت وارده به اموال و اشخاص) قائل نیستند (موسوی و قیاسیان، ۱۳۹۰: ۳۳۶). با این حال در پرتو توسعه و تکامل قواعد حاکم بر جبران خسارات زیست محیطی و وفاق جامعه جهانی بتوان موضوع خسارات زیست محیطی را به نحو مطلوب در چهارچوب قوانین و مقررات و رویه قضایی بین‌المللی قرار داد از سوی دیگر دولتی که مرتکب عمل متخلفانه بین‌المللی می‌شود مکلف است کل خسارات وارده را جبران کند. از همین رو در فرهنگ حقوقی آمده است که جبران خسارت به آنچه که برای اعاده وضعیت طرف صدمه‌دیده یا خسارت دیده به وضع قبلی او ضروری و کافی است، اطلاق می‌شود (آقایی، ۱۳۸۲: ۲۷۱). در همین راستا، اصل ۲۲ و ۱۳ اعلامیه استکهلم ۱۹۷۲ و اعلامیه ریو ۱۹۹۲ دولت‌ها را به همکاری برای توسعه بیشتر حقوق بین‌الملل در ارتباط با مسئولیت و جبران خسارت برای قربانیان آلودگی و دیگر صدمات زیست محیطی، فرا می‌خواند (مجنونیان، ۱۳۷۷: ۳۶۲). علی‌رغم این که در بحث مفهوم جبران خسارت دو رویکرد نقض تعهد بین‌المللی و مسئولیت بین‌المللی دولت ناشی از اعمال منع‌شده در حقوق بین‌الملل، مطرح می‌باشد ولی به‌خوبی می‌توان دریافت که هیچ‌یک از این دو رویکرد، نظر غالب نیستند و باید ترکیبی

از این دو را به‌عنوان مبنای مسولیت جبران خسارت استفاده نمود. مخلص کلام اینکه تضمین‌های حداقلی که برای حمایت و حفاظت از محیط زیست مطرح می‌باشد به‌دنبال تحقق حق بر محیط زیست و درنهایت دست‌یابی به حقوق اساسی بشر می‌گردد. هیچ‌گاه نمی‌توان حمایت از حقوق بشر را در پرتو حق بر محیط زیست طلب نموده اما از مسولیت دولت غفلت بورزیم. همان‌طور که بیان شد مسولیت بین‌المللی دولت ناشی از خسارات وارده به نحو مطلوبی تغییر یافته است. به‌گونه‌ای که خسارات را به‌طور اعم به افراد و کالاها و به‌صورت عام به محیط زیست اطلاق می‌نماید. این تغییر رویکرد منجر به این امر می‌گردد که مفهوم جبران خسارت و شیوه‌های جبران خسارت هم متناسب با خسارات زیست محیطی تغییر یافته و به واقعیت متمایل گردد. از همین‌رو می‌توان به وابستگی و تعامل مسولیت بین‌المللی دولت و جبران خسارت با تضمین حق بر محیط زیست به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مقوله‌های نسل سوم حقوق بشر اشاره کرد. نهایتاً این که یافتن رابطه‌ای بین تضمین حق بر محیط زیست از رهگذر مسولیت بین‌المللی با توجه به تئوری‌های مسولیت امری دشوار به نظر نمی‌رسد. امید است که دولت‌ها به این مهم توجه نموده تا از پرتو این اهتمام، محیط زیستی سالم، پاک و عاری از آلودگی که حق مسلم و ذاتی بشر است را برای مردم خود به ارمغان آورند.

۶- حق بر محیط‌زیست از نگاه حقوق بشر اسلامی

در تعالیم اسلامی با بررسی آیات و روایات و سیره اهل بیت (علیهم‌السلام) روشن می‌شود که محیط زیست به‌عنوان یکی از مباحث حیاتی مورد توجه قرار گرفته است. اسلام یکی از نیازهای اساسی بشر را در پیوند با محیط زیست و در محیط زیست لحاظ نموده است. انسان در دامان طبیع متولد می‌شود، در آن رشد می‌کند و به طبیعت نیازمند است. از طرف دیگر، طبیعت هم به‌گونه‌ای خل شده است که در خم انسان باشد و نیازهای او را برطرف نماید. در قرآن کریم هم سوره‌های زیادی با یکی از عناصر طبیعت نامگذاری شده‌اند، نظیر سوره‌های مبارکه‌ی بقره، رعد، نحل، نور، عنکبوت، نجم، حجر، شمس، حدید، لیل، قمر، تین، ناس.

خداوند سبحان طبیع و محیط زیست را در تسخیر انسان قرار داده است. بر این اساس که هریک از موجودات، خاصی و اثر ویژه خود را دارند، اگر انسان آن خاصی را شناخت و آن را درس تنظیم و رهبری کرد، در حقیقت آن موجود را تسخیر کرده است و البته خداوند سبحان است که جهان طبیع را مسخر انسان قرار داده است: «أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مِا فِي السَّمَاوِيَاتِ وَمِا فِي الْأَرْضِ»

خداوند متعال به آسمان و زمین دستور داد تا از امام و انسان کامل پیروی نمایند یعنی انسانی که امین و امانت‌دار الهی باشد و سالک سبیل الهی باشد و در امان الهی خیانت نکند. همین انسان آزاد نیست تا در طبیعت هرگونه که می‌خواهد رفتار کند (جوادی‌آملی، ۱۳۹۳: ۱۶۷).

انسان در برابر خداوند و تمامی هستی و آفرینش مسئول است و با صلح و آرامش در کنار محیط زیست به‌عنوان یک حق بشری که در دهه‌های اخیر مطرح شده حق انسان‌ها را در داشتن محیط زیستی سالم و امن مطرح نموده و این حق در تعالیم اسلامی هم مورد توجه بوده است. در متون دینی تأکید شده انسان به عنوان اشرف مخلوقات و جانشین خداوند بر روی زمین استفاده از نعمت‌های الهی را دارد اما این استفاده نباید به‌گونه‌ای باشد که حق دیگران در بهره‌برداری از این نعمت الهی در معرض خطر قرار گیرد و یا موجب تضییع، حق نسل‌های آینده گردد.

۷- رویکرد اسلام به محیط زیست و انسان (دیدگاه خدامحور)

برخلاف رویکردهای موجود در مورد ادیان دیگر (یهود و مسیحیت) کد مقبولیت چندانی ندارد، وفق آموزه‌های دین اسلام مشکل زیست‌محیطی دنیا جدا از بحث زیستی و تجربی، بدین دلیل است که انسان‌ها خود را در احاطه خداوند ندانسته و ذات لایتنهای الهی را به‌عنوان مالک واقعی محیط زیست باور ندارند. استقلال انسان از محیط زیست خود و در پی آن جدایی از محیط زیست الهی، سرچشمه تباهی و بحران زیست محیطی کنونی جهان می‌باشد. درست است که وفق فقه اسلام، غایت نخستین طبیعت، انسان است ولی هرگز «غایت بودن» به معنای «صاحب اختیار بودن» نیست. نگاه قرآن به طبیعت نگاهی کاملاً جدید و متفاوت از ادیان دیگر است

۷-۱- آیات قرآن

خدا در قرآن مجید بشر را به توجه و تأمل در طبیعت دعوت می‌کند و بر آن اصرار می‌فرماید (محقق داماد، ۱۳۹۳: ۸۸-۱۰۳). باید توجه داشت که از منظر اسلام و قرآن مجید، سراسر هستی - که جهان طبیعت جزئی از آن می‌باشد - «آید» و نشان حق متعادل دانست. شده است. در آیه ۵۹ سوره فصلت آمده است: «ما نشان‌های خود را در اطراف جهان و در درون جانشان به آن‌ها نشان می‌دهیم تا برایشان آشکار گردد که او حق است؛ آیا کافی نیست که پروردگار بر همه چیز شاهد و گواه است؟ در آیه ۸۹ سوره آل‌عمران آمده: «آیا جز دیدن خداوند را باز می‌جویند؟ با آن که آنان که در آسمان‌ها و زمین‌اند، خواه‌ناخواه گردن نهاده فرمان اویند و به سوی او بازگردانده می‌شوند».

۲-۷- روایات

در کنار آیات کلام الهی، احادیث معتبر نیز به ارزش ذاتی طبیعت پرداخته‌اند؛ چنان‌که خشم طبیعت در برابر افکار و رفتار و اعمال انسان‌ها را برابر با خشم خداوند دانسته‌اند (افتخار جهرمی و رضائی، ۱۳۹۵: ۱۲). یا این که در حدیثی دیگر قضاوت مغرضانه قاضی را موجب قطع برکت و بارش عنوان می‌دارد (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۲۵۵). هرچند هدف از این حدیث معتبر نکوهش رفتارهای ناشایست انسان هم‌چون دروغ حاکم بر مردم بوده که موجب قطع بارش می‌گردد. اما از این مقایسه می‌توان به ارزش ذاتی طبیعت در برابر انسان اشاره کرد که استقلال طبیعت در کنار انسان است و به-همین خاطر می‌تواند در مقابل او نیز قرار بگیرد.

نتیجه‌گیری

حفاظت از محیط زیست مدت‌هاست به رسمیت شناخته شده و در معرض بحث و گفتگو می‌باشد. از همین رو حفاظت از محیط زیست در آموزه‌های حقوق بشر، امری اجتناب‌ناپذیر می‌باشد. حقوق مدنی و سیاسی شامل حق به زندگی و حیات، حق برخورداری از حریم خصوصی و زندگی خانوادگی، حق برابری و عدم تبعیض ممکن است که به وسیله شرایط زیست محیطی تحت تاثیر قرار بگیرد. همچنین حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی یک استاندارد حداقلی را برای زندگی و رفاه بشر وضع کرده‌اند. حق بر غذا و آب و حق بر برخورداری از یک استاندارد مناسب زندگی به-عنوان وسایلی برای حفاظت بیشتر محیط زیست هستند، این درحالی‌است که تجزیه محیط زیست مانعی برای تحقق کامل این حقوق می‌گردد. علی‌رغم وجه اشتراک حقوق بشر با حقوق بین‌الملل محیط زیست، نقاط ضعف و قوتی بر این ارتباط وارد است. حقوق بشر زیست محیطی که یکی از لوازم اساسی با آثار اصلی حقوق نسل اول یا دوم تلقی می‌شود، ویژگی‌های منحصر به فرد نسل اول (غیرقابل تعلیق بودن، امکان نسبی طرح شکایت به خاطر نقض آن توسط دولت و...) و خصایص نسل دوم (قابل مطالبه بودن از دولت و...) را دارا می‌باشد. ولی ضعف آن از این جهت است که حق است، از همین رو حق مذکور از استقلال برخوردار نبوده و به‌عنوان یک حق مستقل و مجزای بشریت در مجموعه حقوق و آزادی‌های اساسی قرار نمی‌گیرد، بلکه به منزله یکی از لوازم، بسترها، اجزاء و یا آثار حقوق نسل اول یا دوم خواهد بود.

علاوه بر این، بحث حقوق بشر و محیط زیست، مباحث چندان قدیمی نیستند و ارتباط این دو در قالب حقوق همبستگی موضوع جوانی است. اگرچه حق به محیط زیست سالم به عنوان یک حق اساسی و بنیادین جای خود را در مجموعه حقوق بشر باز کرده ولی هنوز نتوانسته است که به جایگاه قواعد قوام یافته دست یابد. این در حالی است که حمایت‌های متعدد در مجامع بین‌المللی، توسط بازیگران مختلف، نشانه‌ای از یک‌روند حمایت بین‌المللی از شناسایی یک حق ادعایی است. به تعبیر دیگر حق بر محیط زیست امروزه دیگر صرفاً یک آرزوی طرفداران محیط زیست نیست بلکه قواعد حقوقی موجود، هم حق بر محیط زیست و هم حقوق همبستگی را مورد تأیید قرار داده‌اند. از سوی دیگر، تحقق حق بر محیط زیست سالم مستلزم آن است که شهروندان از وضعیت محیط پیرامون خود و از اتفاقاتی که منجر به تهدید آن می‌گردد اطلاع یابند و هوشیار باشند. در روند گرفتن تصمیمات مربوط به محیط زیست مشارکت داشته باشند و در صورت ورود خسارت به محیط زیست حق اقامه‌ی دعوا و دسترسی به مراجع اداری و قضایی برای جبران خسارت داشته باشند. از همین رو ارتباط نزدیک بین اصل مشارکت و مؤلفه‌های آن به‌خوبی روشن می‌شود و هرگونه عدم تعادل بین آن‌ها موجب خدشه وارد شدن به اصل مزبور گشته و در نهایت اجرای مقررات زیست محیطی را به مخاطره می‌اندازد. آنچه که به این عدم تعادل دامن می‌زند، فقدان عنصر سوم این اصل یعنی دسترسی به مراجع اداری و قضایی است. ضمانت اجرا امری است برای تضمین پیاده‌شدن صحیح ضابطه جهت رسیدن به اهداف و مقاصد وجودی آن ضابطه. در همین راستا برای تحقق کامل حق بر محیط زیست نیاز به ضمانت اجرای مؤثر آن می‌باشد. از همین رو مسوولیت بین‌المللی امری بسیار مهم در ضمانت اجرا تلقی می‌شود. از سوی دیگر جبران خسارات زیست محیطی هم دارای خلأهایی در حقوق بین‌الملل محیط زیست می‌باشد؛ و این خلأها و عدم مکانیسم اجرایی ضمانت اجرای حق بر محیط زیست را با مانعی جدی روبرو می‌گرداند. نهایتاً این که حفاظت از محیط زیست را در آموزه‌های حقوق بشر می‌توان در دو محور مورد توجه قرار داد:

اول- حق بر محیط زیست: ابزاری برای کنترل و هماهنگ‌سازی سایر حقوق بشر

محیط زیست همانند سایر مؤلفه‌های اجتماعی، از خصایص و وضعیت اجتماع تاثیر می‌پذیرد. بهبود کیفیت زندگی شهروندان و ارتقای توان آن‌ها برای زندگی، آلودگی‌ها و تخریب محیط زیست را کاهش خواهد داد. در مقابل در شرایط نامناسب اجتماعی، نه تنها تخریب این محیط به بهانه توسعه اقتصادی و صنعتی توجیه پذیر می‌گردد بلکه شهروندان نیز بدون توجه کافی به این پیش‌نیاز زندگی،

تخریب آن را به قصد برآوردن نیازهای محسوس و اولیه زندگی مجاز خواهند دانست. علاوه بر این، با این که استدلال بهم پیوستگی حمایت از حقوق بشر به منزله حفاظت از محیط زیست، در بسیاری از موارد بدیهی به نظر می‌رسد، برخی اوقات روند رشد و توسعه اجتماع موجب می‌شود که درجه اولویت محیط زیست به‌عنوان عامل پایدار کردن حیات، تحت تاثیر نیازهای روزمره و فوری، به فراموشی سپرده شود و در درجه دوم اهمیت قرار گیرد.

دوم- حفاظت از محیط زیست: بستری برای تضمین حقوق بشر: ارتباط بین دو مقوله مذکور یعنی حقوق محیط زیست و حقوق بشر، حداقل از جهت نظری به‌ویژه با تکیه بر اشتراک آن‌ها از حیث دربرگرفتن اقدامات بشری و همچنین اشتراک در اهداف، چندان دشوار به‌نظر نمی‌رسد. حفاظت از محیط زیست بستری برای فراهم کردن زمینه‌های اجتماعی جهت بهره‌مندی عموم از وضعیت مطلوب زندگی و همزیستی آحاد جامعه می‌باشد. از آن‌جا که بی‌توجهی به محیط زیست مستقیماً بر نقض حقوق بشر بر «حیات، بهداشت و تغذیه» مؤثر است، اقدامات منتهی به تخریب محیط زیست ممکن است به ممانعت از وضعیت مذکور منجر شود. ایجاد سیستمی قابل اطمینان و مؤثر در حفاظت از محیط زیست، به تضمین رفاه نسل‌های آینده نیز کمک خواهد کرد و به عکس بی‌توجهی به مقتضیات زیست محیطی ممکن است بقای نسل‌های کنونی و حیات نسل‌های آینده را در معرض خطر جدی قرار دهد؛ به عبارت دیگر از آنجایی که حقوق بین‌الملل محیط زیست از علایق و منافع مشترک بشریت نشأت می‌گیرد، حقوق و آزادی‌های اساسی بشری را نیز که بر علایق و منافع مذکور استوارند، از حیث بین‌المللی، مورد پذیرش قرار می‌دهد. این ارتباط تنگاتنگ از طرفی حفاظت از محیط زیست را به‌عنوان بنیادی‌ترین اصل برای برخورداری از زندگی و کرامت انسانی می‌داند و از سوی دیگر این امر را میسر کرده که در قبال چالش‌های جهانی در ابعاد منطقه‌ای و جهانی از خود و حقوق بشر حفاظت کند.

منابع

- قرآن کریم.
- آقایی، سیدداود (۱۳۷۵). نقش و جایگاه شورای امنیت سازمان ملل متحد در نظم نوین جهانی. تهران: بیک فرهنگ.
- آون، گرین (۱۳۷۹). محیط زیست. مترجم: احمد علیخانی، تهران: دوره عالی جنگ دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
- افتخار جهرمی، گودرز و رضائی، علیرضا. (۱۳۹۵) هم‌گرایی حقوق محیط زیست و حقوق بشر؛ با نگاهی به فقه اسلامی. پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، ۳(۱)، ۱-۳۲.
- امیر ارجمند، اردشیر (۱۳۷۶). حفاظت از محیط زیست و همبستگی بین‌المللی. تحقیقات حقوقی، شماره ویژه، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
- تقی‌زاده انصاری، مصطفی (۱۳۷۹). حقوق کیفری محیط زیست. چ ۱، تهران: نشر قومس.
- جوادی‌آملی، عبدالله (۱۳۹۳). اسلام و محیط زیست. قم: انتشارات اسراء، بی‌چا.
- چرچیل، رابین و آلن لو (۱۳۸۷). حقوق بین‌الملل دریاها. مترجم: بهمن آقایی، چ ۵، تهران: گنج دانش.
- حبیبی، محمدحسن (۱۳۸۲). حق برخورداری از محیط زیست سالم به‌عنوان حق بشریت. حقوق و علوم سیاسی، شماره ۶۰، ۱۷۰-۱۳۱.
- حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). وسایل الشیعه. قم: آل‌البیت.
- خورشیدی، حسین (۱۳۸۸). ضمانت اجراهای حفاظت محیط زیست و توسعه پایدار در حقوق ایران، در: حقوق محیط زیست: نظریه‌ها و رویه‌ها. احمدعلی محسن‌زاده، نادر ساعد، علی سمیعی، چ ۱، تهران: نشر خرسندی.
- زمانی، سیدقاسم (۱۳۸۱). توسعه مسئولیت بین‌المللی در پرتو حقوق بین‌الملل محیط زیست. مجله پژوهش‌های حقوقی، ۱(۱)، ۲۷-۵۸.
- ساعد، نادر. (۱۳۸۳). نگرشی با حق اخلاقی و حق حقوقی به محیط زیست. مجموعه مقالات نخستین همایش حقوق محیط زیست ایران.

- شرقی، عبدالعلی (۱۳۸۸). بررسی موضوع عملکرد سازمان ملل متحد در حفاظت محیط زیست و توسعه پایدار. حقوق محیط زیست: نظریه‌ها و رویه‌ها، احمد علی محسن‌زاده، نادر ساعد، علی سمیعی، چاپ اول، تهران، خرسندی.
- عباسی، بیژن (۱۳۹۰). حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین. چ ۱، تهران: نشر دادگستر.
- غمامی، سید محمدمهدی و تقی‌نژاد، علی (۱۳۹۹). تعهدات دولت در قبال «حق بر هوای پاک»: بررسی نظام تقنینی جمهوری اسلامی ایران، مطالعات حقوق بشر اسلامی، ۹(۱)، ۶۷-۵۱.
- فیوضی، رضا. (۱۳۷۹). مسئولیت بین‌المللی و نظریه حمایت سیاسی اتباع. ج ۱، چ ۱، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- کاتوزیان، ناصر و انصاری، مهدی (۱۳۸۷). مسولیت ناشی از خسارات زیست محیطی. حقوق و علوم سیاسی، ۳۸(۲)، ۳۱۳-۲۸۵.
- کتابی، امیرعلی و ایزدی اودلو، عظیم (۱۴۰۰). حقوق جهانی بشر در اسلام و مقایسه و تطبیق آن با حقوق بشر غرب از دیدگاه علامه جعفری. مطالعات حقوق بشر اسلامی، ۱۰(۴)، ۵۳-۳۳.
- کریمی پرویز، محمد، شیرخانی، علی و محسنی مشتقین، علی (۱۴۰۱). بررسی تطبیقی حقوق بشر در آموزه‌های محافظه‌کاری و سنت‌گرایی. مطالعات حقوق بشر اسلامی، ۱۱(۲)، ۵۲.
- گروه صلح کرسی حقوق بشر، صلح و دموکراسی یونسکو (۱۳۸۹). حقوق زیست محیطی بشر. چ ۱، تهران: نشر دادگستر.
- مجنونیان، هنریک (۱۳۷۷). راهبردها و معاهدات جهانی حفاظت از طبیعت و منابع زنده. چ ۱، تهران: نشر سازمان حفاظت از محیط زیست.
- محقق‌داماد، سیدمصطفی (۱۳۹۳). الهیات محیط زیست. چ ۱، تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه.
- مراد پیری، هادی؛ جعفری‌فر، احسان و جلالی‌راد، محمدصادق (۱۴۰۱). تأثیر سیاست‌های آمریکا بر وضعیت حقوق بشر در خاورمیانه (۲۰۲۳-۲۰۰۱). مطالعات حقوق بشر اسلامی، ۱۱(۳)، ۹۷-۱۲۰.
- موسوی، سید فضل‌الله و قیاسیان، فهیمه (۱۳۹۰). جبران خسارات زیست محیطی در حقوق بین‌الملل. حقوق و علوم سیاسی، ۴۱(۱)، ۳۴۶-۳۲۷.

میرصانع، سید محمد رضا، میرعباسی، سید باقر، مرادی، مریم و موسوی میرکلایی، طه (۱۴۰۱).

حقوق بشر در گفتمان دکترین مهدویت، مطالعات حقوق بشر اسلامی. ۱۱(۱)، ۳۶.

والاس، ربکا (۱۳۹۰). حقوق بین‌الملل. مترجم: سید قاسم زمانی، چ ۳، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.

وکیل، امیرساعد و عسگری، پوریا (۱۳۸۳). حقوق همبستگی. تهران: نشر مجد.

وکیل، امیرساعد (۱۳۸۸). جایگاه حق محیط زیست سالم در ساختار هنجاری حقوق بشر بین-

المللی. در: حقوق محیط زیست: نظریه‌ها و رویه‌ها، احمد علی محسن‌زاده، نادر ساعد، علی

سمیعی، چ ۱، تهران: نشر خرسندی.

هیگینز، روزالین (۱۳۸۵). دیوان بین‌المللی دادگستری: موضوعات منتخب درباره مسئولیت دولت.

مترجم: علی قاسمی، مجله حقوقی، شماره ۳۴.

Sands, P. Principles of International Environmental Law (vol. I: Framework, Standards and Implementation. 1995)

